یادداشت

اخلاق و انتخابات

کوروش الماسی
محقق و پژوهشگر

با نزدیک‌تر شـــدن به موعد انتخابات بخشی از جامعه سیاسی فعال‌تر از قبل شده و به شـــیوه‌های گوناگون تلاش می‌کند تا شرایط اجتماعی را برای برگزاری انتخابات مهیا کند، امـــا در این دوره به دلیل ناکارآمدی مدیریت کلان که زیستی ســـخت را برای میلیون‌ها شـــهروند رقم زده است، پرسش‌های جدی نه تنها در مورد چگونگی مشارکت بلکه پیرامون چیســـتی، کارکرد و هدف ســـازوکار انتخابات میان بخش وســـیعی از شهروندان مطرح اســـت، بنابراین این موجز حاوی نکاتی پیرامون تبیین چیستی، کارکرد و هدف پدیده انتخابات خواهد بود. تلاش برای تحقق امنیت، رفاه و آرامش از بنیادی‌ترین نیازها، خواسته‌ها، تمایلات و اهداف انسان‌ها در طول تاریخ بوده اســـت و خواهد بود، بنابراین تلاش انسان‌ها به منظور تحقق امنیت، رفاه و آرامش در تحولات و توسعه اجتماعی در عرصه‌های گوناگون نمود می یابد. اینکه تلاش انسان‌ها به منظور تحقق امنیت، رفاه و آرامش سوخت تحولات و توســـعه اجتماعی و چرخش و تغییر کارگزاران و صاحب‌منصبان عرصه مدیریت کلان ابزار آن می‌باشد. چرخش صاحب منصبان و کارگزاران مدیریت کلان سیاســـی به منظور حصول امنیت، رفاه و آرامش اجتماعی، یک قاعده فرا ارادی و آســـمانی است. چرخش صاحب منصبان مدیریت سیاسی بنیاد توسعه نهادهای اجتماعی و سیاســـی است. توســـعه نهادهای اجتماعی و سیاسی همان توسعه ملی که مبنای کارآمدی هر نظام سیاسی است، می‌باشد. از اینرو، پایداری، توسعه و کارآمدی هر سازمان سیاســـی کلان، بدون چرخش صاحب منصبان و کارگزاران مدیریت کلان، یـــک امر ناممکن و خلاف منطق زمینی و آسمانی اســـت. بنابراین، مدیریت کلانی که به هر دلیل، دستخوش چرخش عناصر و کارگزاران نشود، همانند آب(برکه) ساکن و در نتیجه ناتوان از پایداری، ثبات، توسعه و کارآمدی خواهد بود. در قرون پیشین توســـل به انواع روش‌ها و ابزار سخت(خشن) تنها مسیر تحولات اجتماعی و چرخش کارگزاران و صاحب منصبان در عرصه مدیریت کلان بوده است. تحول، چرخش و کارآمدی مدیریت کلان از طریق انتخابات به جای روش‌ها و ابزار خشن، دستاورد «تولد خرد جمعی» در عصر روشنگری شد. متاسفانه، تمایل شدید به تصاحب مناصب مدیریتی، منطق و عملکرد برخی سیاست‌ورزان را غیرکاربردی و غیرواقع بینانه کرده است. فعالان سیاسی، کارگزاران، حاشیه‌نشـــینان، صاحب‌منصبان و حتی افرادی که انتخابات را فرصتی(شوراها) برای کســـب منافع فردی و جناحی تلقی می‌کنند، وظیفه اخلاقی، ملی و انسانی دارند تا دستاوردهای حضور پرشور در انتخابات را برای شهروندان تبیین کنند. به عنوان مثال، اینکه سازوکار انتخابات چگونه می‌تواند چالش‌هایی چون کول بری، آشغالگردی، سوخت بری، زنان و بچه های خیابانی، فروش اعضای بدن به منظور بقا، فروپاشی نهاد خانواده، مهاجرت جوان نخبه میهن دوست و... را حل و فصل کند؟ شاید مهمترین عامل برای ترغیب شهروندان این باشد که متولیان رسمی انتخابات؛ چیستی، کارکرد و هدف سازوکار انتخابات را برای شهروندان تبیین کنند. آیا پرسش خطایی است، اگر انتظار داشته باشیم تا حامیان سازوکار انتخابات، دســـتاوردهای عینی، ملموس و قابل ارزیابی حضور پرشور در انتخابات را تبیین کنند؟ حصول امنیت، رفاه و آرامش اجتماعی از طریق سازوکار انتخابات به عنوان «دستاورد خرد جمعی» که منجر به چرخش صاحب منصبان و کارگزاران مدیریت کلان که بستر تحولات و توسعه ملی شود، یک رویای زیبا و پایدار خواهد ماند.

روی خـــط

از سوختن سعید محمد تا نیامدن سید حسن

ادامه از صفحه یک /

اما دیری نگذشت که سردار جوانی، معاون سیاسی سپاه پیرامون رفتن سعید محمد گفت به‌دلیل تخلف، از قرارگاه خاتم منفک شده، مساله‌ای که با واکنش و تکذیب سعید محمد مواجه شده و متعاقب آن هم سردار رمضان شریف در تشریح این موضوع اظهار کرده که موضع معاون سیاسی سپاه موضع سپاه نیست، اما دیری نگذشت که حاجی صادقی نماینده ولی فقیه در سپاه گفت در مسائل سیاسی هماهنگی خوبی در سپاه وجود دارد و آنچه معاون سیاسی اعلام می‌کند، همان چیزی است که مجموعه سپاه و نمایندگی ولی‌فقیه به عنوان متولی این امر درباره آن اتفاق‌نظر دارند. بدین ترتیب عده‌ای بر این باورند سعیدمحمد سوخت و حضورش در انتخابات محتمل نیست. عزت‌ا... ضرغامی، رئیس اسبق صداوسیمای کشور است که با اظهارنظرهایش خبرساز شده است. او در یک مصاحبه که با نقدونظرهای زیادی هم مواجه شده است، گفت که لباس زیرش(شورت) را در مسیر نمازجمعه خریداری می‌کند یا در جایی دیگر گفت با مذاکره با آمریکا موافقم؛ حرف‌هایی که با عملش در دوران ریاستش بر رسانه ملی! منافات دارد و به‌رغم اینکه سعی کرده با این ادبیات جریان‌ساز شود اما رای اندکش نزد اصولگرایان را از دست داده و در جبهه اصلاحات هم برایش دستاوردی نداشته است. محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور دولت‌های نهم و دهم، که روزگاری مردم را خس و خاشاک خطاب کرده، امروز که سخن از انتخابات اســـت از داریوش، ویگن، گوگوش و آغاسی می‌گوید و از ترانه آمنه آمنه خاطره تعریف می‌کند؛ کســـی که مخالف پخش ربنای استاد شجریان بود، جدل او و غلامعلی حدادعادل از حواشی اخیرش بود. پس از آنکه حدادعـــادل از ردصلاحیت احمدی‌نژاد پرده برداشت یک روز نگذشت که در ویدئویی پاسخ حداد را داد. احمدی‌نژاد به‌رغم اتخاذ موضعی که با عملکرد سالیان نه‌چندان دورش فرسنگ‌ها فاصله دارد، درآمد دولت‌های او از فـــروش نفت ۸۰۰ میلیارد دلار بود. مسعود پزشکیان، نایب رئیس مجلس دهم بود. او در پیام نوروزی‌اش که با زبان کردی صحبت می‌کرد، این تلقی را در جامعه نهادینه کرد که وی برنامه انتخاباتی دارد و حمایت برخی احزاب و جریانات سیاسی از ایشان در مصاحبه‌ها و مواضع، اسمش را ســـر زبان‌ها انداخت. اما دو گزینه‌ای که به‌رغم ۳۲ روز مانده به انتخابات گزینه نهایی، جدی و تقریبا قطعی به‌شـــمار می‌آیند محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه دولت دوازدهم و سعید جلیلی، مشاور رهبری هســـتند. همچنین محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس شورای اسلامی که مدتی اســـت با دوربین‌های متعدد خبری به سفرهای استانی می‌رود، پوشیدن لباس‌های غیررسمی در سفرهای رسمی، بوســـیدن بچه‌ها جلوی لنز دوربین در شرایط کرونا و البته حواشی دادن دناپلاس و تسهیلات ویژه به نمایندگان مجلس و دستگیری و محکومیت قائم مقامش در شهرداری تهران به‌دلیل مشکل مالی از عمده حواشی او در یک‌سال گذشته است. طرفداران قالیباف هیچ کاندیدای اصولگرایی غیر از او را برنمی‌تابند. ظریف با کارنامه درخشانش در عرصه دیپلماسی با به سرانجام رساندن برجام، با خروج ایران از ذیل فصل هفتم منشـــور ملل متحد، با برهم ریختن معادلات ابرقدرت‌های جهان برای اجماع جهت حمله به ایران، با رشد اقتصادی دولت یازدهم متاثر از برجام، با اعتقاد و باور به گفت‌وگو برای حـــل مسائل و عزت کشور و با کوله‌باری از تجربه سالیان اخیر آمده است تا سکاندار کشتی ریاست جمهوری سیزدهم ایران شود و اما سعیـــد جلیلـــی که به احتمال زیاد جریان اصولگرایی برای اجماع به ایشان برسند. وی در دولت احمدی‌نژاد مسئولیت دبیر شورای عالی امنیت ملی و مسئول رسیدگی به پرونده ایران بوده که در دوران تصدی ایشان بی‌سابقه‌ترین تحریم‌های ظالمانه علیه ملت ایران به تصویب رسیده اســـت. با این وصـــف تـــا ایـــن لحظه محمدجواد ظریف و ســـعید جلیلی دو کاندیدای نهایی برای انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم به شمار می‌آیند.

محمد هاشمی رفسنجانی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

محبوبیت خاتمی باعث رد صلاحیت می‌شود

کرونا وارد ایران شده بود اما مسئولان کتمان می‌کردند

رویکرد شورای نگهبان فقط نظارت باشد

آرمان ملی- محمدهادی علیمردانی: گرچه تنها دو ماه تا برگزاری انتخابات باقی مانده است، فضای جامعه و مردم چندان هیجان انتخاباتی را نشان نمی‌دهد. بیماری کرونا یکی از دلایل توجه کمتر مردم به انتخابات است. کرونا یکی از علل کاهش مشارکت در انتخابات سال ۹۸ نیز بود. در حال حاضر باید طول زمان برگزاری انتخابات به گونه‌ای باشد که مردم نگران ابتلا به بیماری کرونا نباشند. همچنین فیلترهای نظارتی به نوعی عمل کنند که انتخاباتی متوازن را شاهد باشیم و همه گروه‌ها در آن نماینده خود را داشته باشند. در همین زمینه «آرمان‌ملی» گفت‌وگویی با محمد هاشمی رفسنجانی عضو سابق مجمع تشخیص مصلحت نظام داشت که در ادامه می‌خوانید.

اگـــر چه در حال نزدیک شدن به روزهای انتخابات هستیم، فضای جامعه چندان انتخاباتی ارزیابی نمی‌شود. از نگاه شما علت این پدیده را باید در کجا جست‌وجو کرد؟

مهمترین عامل مسأله کرونا و سلامت مردم است. کرونا تقریبا تمام کشور را گرفته و تنها چند شهر محدود از این وضعیت به دور مانده‌اند. وضعیت قرمز است و یکبار گفته می‌شود وضعیت سیاه است و بار دیگر می‌گویند کرونای انگلیسی دخیل است. روزانه صدها نفر از مردم به دلیل ابتلا به همین ویروس جان خود را از دست می‌دهند یا عزیزانشان آسیب می‌بینند. از سوی دیگر تعداد بسیار زیادی از مردم به صورت روزانه مبتلا می‌شوند و بیمارستان‌ها و کادر درمان متاسفانه نمی‌توانند پاسخگو باشند. آنها نمی‌توانند به تمام موارد مراجعه به خوبی رسیدگی کنند. مسأله کنونی مردم سلامت و کرونا است که باید مشخص شود با آن چه خواهیم کرد. مسئولان بهداشت نیز سخنانی را مطرح می‌کنند که برای مردم قابل قبول نیست. زمانی که بحث واکسیناسیون مطرح می‌شود، ایران را با ویتنام یا کشورهایی مقایسه می‌کنند که هیچ نسبتی با شرایط ایران ندارند اما تعدادی واکسیناسیون انجام داده است. خود را با برخی کشورهای همسایه مقایسه نمی‌کنند که گاهی نزدیک به تمام جمعیت خود را واکسینه کرده و شرایطشان به سمت عادی شدن حرکت می‌کند. این نوع مسائل اثرگذار است و توجه مردم به کرونا جلب شده است. در این شرایط اگر کسی بحث انتخابات را مطرح کند، بی‌تدبیری کرده است. حدود ۲ ماه یا بیشتر تا انتخابات زمان باقی است و ان‌شاءا... شرایط کشور تا آن زمان تغییر کند. نکته دیگر این است که انتخابات، انتخابات متوازنی بوده و گروه‌های سیاسی در آن نامزد و نماینده داشته باشند تا بتوانند در رای دادن در انتخابات مشارکت کنند. انتخابات تک بعدی، تک حزبی یا دو بعدی ضعیف نباشد که یک طرف بزرگان و چهره‌های مطرح خود را به میدان آورده باشد و جهت دیگر نماینده نداشته باشد. اینگونه نباشد که برخی چهره‌های مطرح از فیلتر شورای نگهبان عبور نکنند و مسائلی از این دست. مسائل معیشتی مردم، مشکلات اقتصادی، بیکاری و این موضوعات گوناگون در کنار ماه مبارک رمضان در شرایط کشور موثر است. عده‌ای به عبادت خود می‌پردازند و اکنون فرصت مناسبی برای پرداختن به مسأله انتخابات وجود ندارد. بنابراین مجموعه‌ای از شرایط ایجاب می‌کند که اکنون وضعیت کشور همینطور باشد و نمی‌توان انتظاری جز این داشت.

در انـــتخابات مجلس یازدهم در سال ۹۸ نیز شاهد کاهش مشارکت بودیم و یکی از عواملی که عده‌ای آن را در مشارکت حداقلی دخیل می‌دانند، کاهش اعتماد عمومی به صندوق‌های رای است، بر این مبنا که مردم از طریق رای دادن به نتیجه مطلوب خود دست پیدا نمی‌کنند. کاهش اعتماد را تا چه حد جدی ارزیابی می‌کنید؟

آماری در این زمینه ندارم. فردی یا گروهی این مسائل را مطرح می‌کنند اما مستند به چه سندی این سخنان مطرح می‌شود؟ بالاخره مردم ثابت کرده‌اند که در شرایط ضروری پای کار نظام هستند، حتی اگر گلایه و کمبود داشته باشند. ما این تجربه را در سال‌های قبل داشته‌ایم. انتخابات سال ۹۸ که بدان اشاره می‌کنید، دو مسأله درباره آن وجود داشت. یک مسأله بحث کرونا بود که در آن زمان تازه می‌گفتند در قم یافت شده و عده دیگری تکذیب می‌کردند. بحث کرونا مطرح بود و تنها اطلاعات مربوط و گزارشات آن به ایران می‌رسید، اما در ایران آن را کتمان می‌کردند و واقعیت چیز دیگری بود. مردم در قم و برخی محل‌ها مبتلا بودند و مسافرینی نیز مبتلا شده بودند. شواهدی برای این مسأله وجود داشت اما مسئولان کتمان می‌کردند. بعضا می‌گفتند کرونا مطرح شده تا مردم در انتخابات شرکت نکنند. برخی اظهارات در این سطوح نیز شنیده شد و در رسانه‌ها مطرح شد. علت دوم برای کاهش مشارکت این بود که رقابت متوازن شکل نگرفته بود. در تهران یا برخی استان‌های بزرگ که تعداد نامزدها زیاد هستند و عموما ضریب مشارکت بالا بوده است، اینبار رقابت، رقابت درستی نبود. جریانی افراد معروفی را جلو آورده بود و رسانه ملی را نیز برای تبلیغ در اختیار داشت، از امکانات دیگر دولتی نیز استفاده می‌کرد اما یک طرف نیز معدود افراد سرشناس و عموما افراد گمنامی بودند، امکانات تبلیغاتی زیادی در اختیار نداشتند یا به طور کل از آن محروم بودند، بنابراین صحنه انتخابات به این صورت بود و دیدیم که میزان مشارکت به حدود ۴۲ درصد کاهش پیدا کرد. اولین بار بود که که ضریب مشارکت مردم در انتخابات ایران تا این حد پایین آمد. علل و عواملی از این دست مطرح بود و هنوز خاطره مسائلی مانند بنزین در ذهن مردم بود. تلخی مسائل و شرایطی که اتفاق افتاده بود در ذهن مردم وجود داشت. مجموعه عواملی بود که منتج به کاهش ضریب مشارکت شد تا برای اولین بار شاهد حضور کمتر از ۵۰ درصد مردم در انتخابات باشیم.

گـــفته شده رویکرد فیلترهای نظارتی انتخابات موجب نگرانی بعضی جریانات، خصوصا جریان اصلاحات شده است. گـــفته می‌شود که اکثر کشورهای دنیا بر نـــامزدهای خود در سطوح مختلف نظارت دارند. آیا شیوه‌ای که در ایران وجود دارد، باید به همین شکل پذیرفته شود یا نیاز به اصلاح در آن وجود دارد؟

این شیوه به درستی باعث نگرانی است و اصولا بحث‌هایی که حالا در میان برخی از جریانات سیاسی، خصوصا جبهه اصلاحات مطرح است، بر این روال است که آنان می‌گویند ما در حال حاضر نمی‌توانیم نامزد اصلی خود را معرفی کنیم، زیرا نمی‌دانیم این فرد از فیلتر شورای نگهبان عبور خواهد کرد یا خیر. برای مثال چند نفر را نامزد می‌کنیم یا خودشان نامزد می‌شوند و پس از آنکه شورای نگهبان نظر خود را اعلام کرد، نامزد اصلی خود را از میان تاییدشدگان انتخاب می‌کنیم. نگرانی‌هایی از این دست در دوره‌های قبل نیز وجود داشته است. عملکرد شورای نگهبان ذیل دو نظریه است. تفسیر قانون اساسی بر عهده شورای نگهبان بوده و تفسیر این شورا از نظارت، نظارت استصوابی است، اما بسیاری از حقوقدانان و افرادی که خارج از شورای نگهبان و گروه‌های سیاسی هستند، اشخاص آزاد و مستقل در دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و قانون‌گذاری نظارت استصوابی را صد درصد دقیق ندانسته و می‌گویند نظارت به مفهوم دخالت نیست. رویکردی که شورای نگهبان دارد باید نظارت باشد. نظارت مقوله‌ای مشخص و قانونی است که در قانون معین شده و حوزه آن نیز تعیین شده اما چون شورای نگهبان خود مفسر است، اینگونه تفسیر کرده است. حقوقدانان مستقل و آزاد میان نظارت و دخالت تفکیک قائل هستند و حالا عملکرد شورای نگهبان را دخالت در انتخابات می‌دانند. این خلاف قانون اساسی دانسته شده است.

با این حال گفته می‌شود اگر رویکرد نظارتی تغییر کند، تعداد نامزدهای انتخابات به حدی خـــواهد رسید که نمی‌توان انتخاباتی را برگزار کرد. آیـــا می‌تـــوان با الگوبرداری از برخی کشورها در این زمینه به نتیجه رسید؟

بالاخره انتخابات در همه جای دنیا و کشورهای دموکراتیک انجام می‌شود و آنان شیوه‌هایی برای جلوگیری از تعدد نامزد یا حذف بی‌دلیل افراد از عرصه سیاسی دارند. در کشورهایی که دم از مردم‌سالاری یا دموکراسی می‌زنند، انتخابات به‌گونه‌ای رقابتی و متوازن خواهد بود. اگر به کشورهای اروپایی یا آمریکا و حتی پاکستان و سایر همسایگان ایران نگاه کنیم، می‌بینیم احزابی هستند و با هم رقابت دارند، رقابتی که متوازن است اما در ایران متاسفانه فاقد حزب فراگیر هستیم که بتواند قدرت را در دست بگیرد و نامزدها در قالب جناح‌های سیاسی ظاهر می‌شوند. این جناح‌ها نیز اقتدار بایسته برای تصمیم‌سازی در حوزه انتخابات ندارند. بنابراین ریش و قیچی در این وضعیت به دست شورای نگهبان است. می‌گویند، تعداد زیاد بود، ما ۶ نفر را انتخاب کردیم، خب چرا ۸ نفر را انتخاب نکردید یا چرا این ۶ نفر را انتخاب کردید و ۶ نفر دیگری را مطرح نکردید؟ قادر به پاسخگویی به این سوالات به طور شفاف نیستند و این‌ها با وضعیت تفسیر قانون اساسی از سوالات بدون پاسخ است. مشکلاتی از این دست، به مرور زمان در جامعه اثرگذار شدند. پرسش‌گران در این زمینه بسیار هستند. افراد جوان یا کسانی که اوایل انقلاب را درک نکردند و حالا به سنین قانونی رسیده‌اند، از طریق فضاهای موجود اطلاعات را کسب می‌کنند و مطالبه و پرسش‌گری می‌کنند. عموما این پرسش‌ها را در اجتماعات مطرح می‌کنند و ما نیز بدان معنا پاسخ قانع کننده‌ای نداریم.

بنابـــر توصیه مقام معظم رهبری آقای سید حسن خمینی به انتخابات نمی‌آیند و این دیدگاه مطرح شده که نگاه‌ها برای نامزدی در انتخابات به سمت رئیس دولت اصلاحات است. از نگاه شما شورای نگهبان اجازه حضور ایشان در انتخابات را خواهند داد و آیا این مسأله صلاح هست؟

آقای خاتمی در حال حاضر ممنوع‌التصویر هستند. با شرایطی که ایشان در حال حاضر دارند، بعید به نظر می‌رسد که شورای نگهبان آقای خاتمی را تایید کند. زمانی که چهره‌ای مقبولیت یا محبوبیت زیادی در جامعه داشته است، آنها از این محبوبیت نگذشته و این چهره رد صلاحیت می‌شود. مصداق این موضوع در انتخابات سال ۹۲ برای مرحوم هاشمی رفسنجانی اتفاق افتاد. مراجعین بسیاری از آقای هاشمی تقاضا کردند که در انتخابات نامزد شوند و ایشان امتناع می‌کردند. به هر حال در ساعات پایانی روز ثبت‌نام، ایشان به محل ثبت‌نام انتخابات رفتند و می‌توان گفت موج و انفجاری در جامعه به وجود آمد. شور و هیجان عجیبی به راه افتاد، پیکی نزد آقای هاشمی فرستادند که شما استعفا بدهید، در غیر این صورت شما را رد صلاحیت خواهیم کرد. آقای هاشمی در پاسخ گفتند، من با مردم شوخی ندارم که امروز بگویم می‌آیم و فردا بگویم به انتخابات نخواهم آمد، شما هر کاری می‌خواهید انجام دهید. شورای نگهبان نیز چهره‌ای مانند آقای هاشمی را به دلیل محبوبیتی که در جامعه داشت، رد صلاحیت کرد. به تعبیر ایشان، بیش از ۳۰ میلیون رای در کشور داشتند و از نظر شورای نگهبان شخصی که بیش از ۳۰ میلیون رای داشته باشد، قابل کنترل نیست. بر اساس تحلیل‌هایی از این دست، صلاحیت آقای هاشمی را تایید نکردند. آقای خاتمی نیز حالا وضعیت مشابهی در کشور دارند. ایشان هم چهره مقبول و محبوبی در کشور هستند و هم در فضای بین‌الملل چهره‌ای با استراتژی مقبول هستند. ایشان برای همسایگان یا بخشی از سیاستمداران جهان شناخته شده و مورد قبول هستند. بنابراین بعید می‌دانم که اگر آقای خاتمی در انتخابات ثبت‌نام کنند، تایید صلاحیت شوند.

توصیه شما به شورای نگـــهبان برای انتخابات ریاست جمهوری سال آینده چیست و چه رویکردی بیشتر می‌تواند مصالح کشور را تامین کند؟

با توجه به فرمایشات مقام معظم رهبری، که از پیش‌تر هم این سخنان را مطرح کرده‌اند، انتظار ایشان مشارکت حداکثری در انتخابات است. اگر بخواهیم مشارکت حداکثری داشته باشیم، الزاماتی وجود دارد که به نظر من، در این زمان دو الزام حتمی است. یکی همان رقابت متوازن است که گروه‌ها و جناح‌های سیاسی در انتخابات نماینده یا نامزد داشته باشند و بتوانند به او رای دهند، تبلیغ کنند و برنامه خود حول محور آن نامزد را اجرایی کنند. الزام دوم بحث زمان انتخابات است. با توجه به مسأله کرونا، مردم سلامت خود را بر رای دادن می‌دانند و حق هم دارند. با شرایطی که کرونا در کشور دارد، نمی‌توان به صورت فشرده در صفوف رای بود. پس باید زمان انتخابات را مانند آنچه در دنیا در این نوع موارد متداول است، طولانی‌تر کنند. طبق قانون ۸ صبح تا ۶ بعد از ظهر زمان انتخابات است و این زمان حداکثر تا ۱۲ شب تمدید می‌شود اما پیشنهاد من این است که مرجعی که می‌تواند و امکان آن را دارد، زمان انتخابات ۱۴۰۰ را از چند روز تا ۱ هفته طولانی کند تا مردم بتوانند با آرامش، رعایت فواصل بهداشتی و دستورالعمل‌هایی که وزارت بهداشت تعیین می‌کند، پای صندوق‌های رای حاضر شده و رای بدهند. می‌توان انتخابات را به صورت الکترونیک نیز برگزار کرد که مردم بتوانند از داخل خانه مشارکت کنند اما در حال حاضر شرایط کشور به گونه‌ای نیست که همه بتوانند به صورت الکترونیکی رای بدهند. اگر همین زمان محدود ادامه داشته باشد، ممکن است میزان مشارکت را تا سطح قابل توجهی کاهش دهد. هر کسی بین سلامت و رای دادن، سلامت را انتخاب می‌کند. تکرار می‌کنم که رقابت متوازن نیز در انتخابات وجود داشته باشد.

سخنگوی شورای نگهبان مطرح کرد:

زمان تغییر قانون اساسی قابل پیش‌بینی نیست

ادامه از صفحه ۲

رئیس پژوهشکده شورای نگهبان با بیان اینکه متأسفانه احزاب در کشور ما از بالا به پایین شکل گرفته و شخص محور است، گفت: حزب باید نقش و حضور دائمی داشته و جمع محور باشد؛ حزب باید مانفیست داشته باشد، باید تربیت‌محور و کادرساز باشد و در تعریف فعالیت حزبی نقش و حضوری مؤثر داشته باشد؛ لذا اگر احزاب به معنای واقعی وجود داشته باشد، افرادی که رأی می‌آورند با توجه به اینکه حزب به عملکرد آنها نظارت می‌کند و آن فرد هم خود را نسبت به اموری که انجام می‌دهد پاسخگو می‌داند، به نحوی عمل می‌کند که از گردونه حزب خارج نشده و بتواند بار دیگر با جلب نظر حزب تداوم مسئولیت خود را داشته باشد. سخنگوی شورای نگهبان با اشاره به اصلاح قانون انتخابات گفت: ایرادات و نواقص قانون انتخابات را از سالیان دور بارها از تریبون سخنگویی گفته‌ام و متأسفانه مجلس محترم هنوز آن‌طور که باید و شاید نتوانسته برای رفع ایردات و نواقص قانون انتخابات اقدام مؤثری انجام دهد؛ در حالی که نیاز به قانون جامع انتخابات به وضوح قابل مشاهده است. کدخدایی به بحث عدم افشای عمومی دلایل رد صلاحیت‌ها که برخی‌ها مدعی شفاف‌سازی شورای نگهبان هستند، پرداخت و اذعان کرد: با توجه به اینکه قانون، شورای نگهبان را از افشای عمومی دلایل رد صلاحیت منع کرده است، فقط به طور خصوصی دلایل رد صلاحیت را به خود فرد اعلام می‌کنیم. وی راجع به گمانه‌زنی در خصوص رایزنی‌ها و تعامل برخی کاندیداهای احتمالی انتخابات ریاست جمهوری با شورای نگهبان گفت: هر کس که ادعای این را داشت که رایزنی کرده و تأیید صلاحیت خواهد شد، حتما کذب است.

فـــرارو

زمان به سرعت از دست می‌رود

تیک‌تاک ساعت برای بایدن

یک روزنامه آمـــریکایی در گزارشی درباره مذاکرات بر سر بازگشـــت واشـــنگتن به برجام با هشدار نسبت به شکست دیپلماســـی تاکید کرد: آمریکا باید هرچه سریع‌تر در خصوص برداشتن تحریم‌ها و ارائه یک نقشه راه معتبر برای احیای توافق هســـته‌ای با ایران تصمیم گیری کنـــد. روزنامه نیویورک تایمـــز در گزارش خود نوشت: از ابتدای آوریل مقامات ایرانی در وین با همتایان انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، روســـی و چینی خود که اعضای باقی مانده در توافق هسته‌ای هستند که آمریکا در سال ۲۰۱۸ از آن خارج شد، دیدار می کنند. ایالات متحده به طور غیرمســـتقیم در این نشست‌ها شرکت می‌کند و دیپلمات‌های اروپایی نیز بین هیات ایرانی و هیات آمریکایی به ریاست رابرت مالی که نماینده ویژه رئیس جمهور جو بایدن است، در حال آمد و شد هستند. پنج شنبه‌ای که گذشت با وجود عدم اطمینان از تداوم نشست‌ها به دلیل خرابکاری در تاسیسات هسته‌ای نطنز که ایران مقصر آن را اسرائیل دانسته است، گفت‌وگوها از سر گرفته شد. اسرائیل به طور علنی عاملیت در حمله را انکار کرد اما مقامات اطلاعاتی آمریکا و اســـرائیل آن را «یک عملیات طبقه‌بندی شـــده اسرائیلی» توصیف کرده‌اند و تهران با افزایش سه برابری سطح غنی‌سازی به آن پاسخ داده است. مذاکره کنندگان در مورد تشکیل دو کارگروه توافق کرده‌اند؛ یکی متعهد به تصمیم گیری درخصوص اقداماتی اســـت که ایران برای بازگشـــت به پایبندی کامل انجام می‌دهـــد و دیگری برای تهیه لیســـتی از تحریم‌هایی که ایالات متحده باید لغو کند. در دور اول گفت‌وگوها، توافقی درباره فهرست کارهایی که ایران انجام می‌دهد، وجود داشت اما هیچ پیشرفتی در زمینه تحریم‌هایی که ایالات متحـــده باید از میان بردارد، نبود. این روند دیپلماتیـــک برای جلوگیری از تشـــدید درگیری‌ها در خاورمیانه و اجازه به جو بایدن برای تمرکز بر رقابت با چین بسیار حائز اهمیت است، اما تا زمانی که دولت بایدن سرعت عمل نداشته باشد، متزلزل خواهد شـــد. مذاکره کنندگان آمریکایی باید تحریم‌هایی را که ایـــالات متحده آمادگی دارد در ازای پایبندی کامل ایران حذف کند، فهرست کنند. به نظر می‌رسد ترکیبی از عوامل، واشنگتن را متقاعد کرده که مسیر دستیابی به یک توافق طولانی‌تر و قوی‌تر از طریق بازگشت به توافق هسته‌ای ســـال ۲۰۱۵ است اما اگر دیپلماسی شکست بخورد، ایالات متحده به یک بحران خطرناک دیگر در خاورمیانه می‌رسد. ایران نشان داده که مایل به تعامل با دولت بایدن است و قول داده که اگر ایالات متحده نیز کاملا متعهد به توافق هسته‌ای باشد، به طور کامل به توافق عمل کند. با این وجود، اختلافات پس از روی کار آمدن رئیس جمهور بایدن شدت گرفت. اعضای کنگره و همچنین دولت های اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی کاخ سفید را تحت فشار قرار داده‌اند و بر محدود کردن استراتژی‌های سیاسی نظامی و منطقه‌ای ایران در یـــک توافق جدید با ایران اصـــرار ورزیده‌اند. آیتا... خامنـــه‌ای رهبری ایران روز چهارشنبه گفت که ایران فقط در مورد توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ صحبت خواهد کرد و تا زمان احیای مجدد آن مســـتقیما با ایالات متحده مذاکـــره نخواهد کرد. وی تاکید دارد، از آنجا که ایالات متحده این توافق را ترک کرده اســـت، دولت بایدن باید اولین گام را با برداشتن تحریم‌های اعمال شده توســـط رئیس جمهور ترامپ بردارد. تا آن زمان، ایران غنی‌ســـازی اورانیوم را با یک جهش ســـریع ادامه می‌دهد. با این حال، از زمان آغاز رایزنی‌ها در ویـــن مذاکره کننـــدگان آمریکایی هیچ فهرستی از تحریم‌هایی که دولت بایدن می‌بایست لغو کند، ارائه نداده‌اند. مذاکره کنندگان ایرانی نیز گفته‌اند که فهرست خودشان را ارائه می‌کنند که می‌تواند دور بعدی مذاکرات را تضمین کند یـــا برهم بزند. اگر هیچ پیشرفتی در وین حاصل نشـــود و تهران به این نتیجه برســـد که ایالات متحده تحریم‌ها را لغو نخواهد کرد، مسأله هسته‌ای می‌تواند چرخشـــی خطرناک داشته باشـــد و به طور بالقوه واشـــنگتن را به جنگ دیگری در خاورمیانه بکشـــاند. اکنون دولت بایـــدن باید با لغو تحریم‌های دوران ترامپ و ارائه یک نقشـــه راه معتبر برای احیای توافق هســـته‌ای که ایالات متحده و ایران می‌توانند بر سر آن توافق کنند، قاطعانه عمل کند.

دریـــچه

مهدی ذاکریان:

اظهارنظرهای عجولانه مانع رفع تحریم‌هاست

یک کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به آغاز مذاکرات ایران و ۴+۱ بر سر بازگشت به برجام که با مشارکت غیرمستقیم آمریکا همراه است، گفت: ایران تمام تلاشش را دارد انجام می‌دهد که تحریم‌ها علیه ملت ایران را از بین ببرد، کسی اگر بگوید تحریم‌ها تاثیر نداشته است، عقل درستی ندارد چراکه تحریم‌ها سبب مزاحمت و مشکلات زیادی برای ملت ایران شده است. اما برخی از اظهارنظرها و نکته‌ها گاه آنقدر عجولانه است که می‌تواند موانعی را بر سر هدف ایران برای رفع کامل تحریم‌ها ایجاد کند. مهدی ذاکریان در خصوص ارزیابی شکلی و محتوایی مذاکرات وین گفت: اینکه هیچ مذاکره‌ای با آمریکا نشود با هدف ایران که تلاش برای رفع فوری و منطقی تحریم‌های آمریکاست مطابقت ندارد و باید گفت این روند مشکل رفع تحریم‌ها را نمی‌تواند در سریع‌ترین زمان ممکن حل کند. این استاد دانشگاه درباره محتوای مذاکرات و آنچه تاکنون از سوی مقامات ایرانی و دیگر مقامات عضو برجام منتشر شده است، اظهار کرد: درباره محتوا دیدگاه‌های رسمی و علنی انتشار نیافته است و تا اندازه‌ای از اظهارات مقامات ایرانی می‌توان فهمید که روند رو به جلو است. وی در مورد تحقق لغو همه تحریم‌های ایران افزود: تحریم‌ها باید طبق همان چیزی که در قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت آمده است، رفع شود و تحریم‌های جدید که در دوران ترامپ اعمال شد نیز باید بی‌اثر شود؛ چراکه تحریم‌ها با خروج آمریکا از توافق رخ داد. این استاد دانشگاه بیان کرد: اینکه آمریکا به برداشتن تمامی تحریم‌های اعمال شده علیه ایران اقدام کند، به پاسخ ایران و اینکه چه اندازه در اجرای تعهدات برجامی‌اش عمل کند، بستگی دارد.